مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۳۹،
دوره اول،
سال پنجم،
زمستان ۱۳۹۹،
صص ۲۲-۳۵

جایگاه افترای عملی در قانون مجازات اسلامی

دکتر سید عباس جزایری[۱]، حسین طاهری[۲]

چکیده

به دلیل استفاده گسترده از اینترنت کم کم کسب و کارهای اینترنتی نیز رونق گرفتند استارت آپ‌ها، پدیده‌ی نوظهوری هستند که بسیاری از فرمول‌های ورود به بازار را تغییر داده‌اند. آنان با اتکا به توانایی و خلاقیت، یک راه میانبر و راحت‌تر برای رفاه مردم ایجاد نموده‌اند. از سوی دیگر، وقوع انقلاب‌دانایی و نقش کلیدی‌دانش در تولیدمحصول، چهره‌ی اقتصاد امروز را به‌کلی دگرگون ساخته است، به طوری که دیگر حجم تولید، معیار دقیقی برای سنجش توان اقتصادی یک کشور نیست، بلکه میزان تولید دانش و محصولات دانش محور و صادرات محصولات با فناوری بالا، معیار نوینی برای سنجش قدرت ملی یک کشور در عصر فراصنعتی شده است هدف از پژوهش حاضر سیاست‌جنایی‌تقنینی‌ایران در حمایت و گسترش‌اقتصادسایبری‌استارتاپ‌ها می باشد و روش پژوهش توصیفی – تحلیلی است نتایج پژوهش نشان می‌دهد برای رشد و توسعه استارتاپ‌ها در ایران باید ارتباطات گسترش یابد و اینترنت پرسرعت گردد و همچنین ضعف نهادهای اجرایی کشور و همچنین نداشتن همکاری‌های بین المللی، محدودیت‌های ساختاری، قوانین ناقص و پراکنده، نداشتن سیاست جنایی مشخص برای مقابله با جرائم استارتاپی و نبود مالیات شفاف در این زمینه باعث شده است که استارتاپ‌ها در کشور ما رشد چندانی نداشته باشند و علیرغم نقش بالای استارت‌آپ‌ها در اقتصاد و رشد اشتغال در کشور، تدوین قوانین جنایی کشور در تسهیل حمایت‌های اقتصادی و گسترش اقتصاد سایبری مغفول مانده است

واژگان کلیدی: استارتاپ، حمایت، سیاست جنایی‌تقنینی، کسب‌وکار نوپا، اقتصادسایبری.

[1]. abbas.jazaeri@gmail.com-استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.
[2]- hossin.taheri1200@gmail.comدانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

جرائم علیه اشخاص[1] به دو دسته جرائم علیه تمامیت جسمانی[2] و جرائم علیه حیثیت و شرافت اشخاص[3] تقسیم می‌گردند. در جرائم بر ضد اشخاص، جرایمی از جمله توهین و جرح اعم از عمدی و غیرعمدی وجود دارد که منجر به صدمات جسمانی بدنی می‌شود. اما در برخی از این جرایم مانند توهین و افترا که منجر به ضرر روحی و اخلاقی می‌گردد. اگر چه عنوان جرائم علیه اشخاص بیشتر ناظر به صدمات و ضرر جسمانی بدنی است.

هردو جنبه مذکور مورد حمایت قانونگذاران جوامع مختلف قرار گرفته است، به گونه‌ای که هیچ فردی حق تعرض به جنبه‌های مذکور اشخاص مورد حمایت قانون را نخواهد داشت. اما این حمایت تا یک مقدار مشخصی بسته به نوع قانونگذاری نظام‌های حقوقی متفاوت، گسترش پیدا می‌کند (احسان پور،۱۳۸۸: ۹۵).

با توجه به اینکه امروزه تمام نظام‌ها در حال بروزرسانی نمودن قوانین خود در حوزه جرائم علیه حیثیت اشخاص می‌باشند و سعی دارند با ملاک‌های بین‌المللی همسو شوند، لیکن نظام حقوقی ایران نه تنها در بعضی از جرم‌انگاری‌ها در این حوزه بر رویه سابق خود اصرار می‌ورزد بلکه در پاره‌ای از موارد نسبت به قوانین پیشین ضعیف‌تر عمل نموده است. برای مثال قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فارغ از ملاک‌های حقوق بشری که آزادی بیان را یک اصل اساسی برای اشخاص به شمار می‌آورد، در جرم افترا[4] سعی در گسترش دامنه شمول آن بوده است تا بتواند افراد بیشتری را ذیل این عنوان مجرمانه محاکمه نماید و به نوعی می‌توان اظهار نمود در نظر مقنن ایرانی، آزادی بیان نادیده انگاشته شده است (ایزک شیری،۱۳۹۹: ۱).

یکی از اعمالی که قانونگذار طی مواد مختلف به جرم انگاری آن پرداخته است، جرم افترا می‌باشد. با دقت در مواد ٦٩٧ و ٦٩٩ قانون مذکور، جرم افترا در دو قالب افترای لفظی و افترای عملی قابل ارتکاب است. افترای لفظی در ماده ٦٩٧ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم جرم انگاری شده و آن نسبت دادن مستقیم و صریح جرم به دیگران به صورت لفظ یا نوشته یا نطق است که در حالت مدنظر (اعاده حیثیت) فرد شاکی، شکوائیه خود را به صورت نوشته به مقام قانونی تسلیم کرده است. افترای فعلی که در بالا به صورت خلاصه تعریف شد در ماده ٦٩٩ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم توسط مقنن جرم انگاری شده است و آن زمانی است که مفتری (فردی که قصد اتهام به دیگران را دارد) به قصد متهم کردن دیگران ابزار و وسایل جرم را در منزل یا محل کار یا وسایل او مخفی می‌کند تا مقدمات تعقیب جزایی فرد را مهیا

[1]- Crimes against persons
[2]- Crimes against physical integrity
[3]- Crimes against the dignity and honor of individuals
[4]- libel

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نموده تا مقدمات تعقیب جزایی فرد را فراهم آورد و وی را در مظن اتهام قرار دهد. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که جرم افترای در قانون مجازات اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است و اینکه دیدگاه قانونگذار در قبال جرم افترای عملی به چه نحو است؟ برای پاسخ به این سؤالات ابتدا بایستی تعریفی از جرم افترا ارائه نمود تا بتوان به بررسی عناصر تشکیل دهنده این جرم پرداخت.

۱-مفهوم افترای عملی

افترا در لغت به معنی دروغ‌بستن، و بهتان زدن آمده است (دهخدا،۱۳۷۵، ج ٤: ١٦٤). در اصطلاح حقوقی عبارت است از نسبت دادن صریح عمل مجرمانه برخلاف حقیقت و واقع به شخص یا اشخاص معین به یکی از طرق مذکور در قانون، مشروط بر این‌که صحت عمل مجرمانه نسبت داده شده، در نزد مراجع قضایی ثابت نشود(جعفری لنگرودی،١٣٩٤: ٢٦٠).

افترا یک عمل مجرمانه است که قانونگذار آن را در مواد ٦٩٧ و ٦٩٩ قانون مجازات اسلامی جرم انگاری[1] کرده و برای آن مجازات تعزیری در نظر گرفته است. جرم افترا از جرائم علیه اشخاص است که فرد مفتری به وسیله نوشته، به نحو شفاهی و یا هر رفتار دیگری جرمی را به غیر نسبت می‌دهد یا منتشر می‌کند. شرایط تحقق جرم افتراء طبق ماده ٦٩٧ قانون مجازات اسلامی انتساب جرم به دیگری، صراحت انتساب، ناتوانی مفتری از اثبات صحت اِسناد است و با اثبات تمامی این موارد این جرم محقق خواهد شد. همچنین به موجب ماده ٦٩٩ قانون مجازات اسلامی عملی که در آن شخص با قصد متهم کردن دیگری آلات و ادوات جرم را بدون اطلاع آن شخص در تصرف او قرار دهد به طوری که آن شخص تحت تعقیب قرار گیرد این عمل تحت عنوان افترای عملی جرم و دارای مجازات خواهد بود. باید گفت که افترا در دو حالت واقع می‌شود؛ نخست به صورت افترای قولی است که در ماده ٦٩٧ حکمش آمده است و دوم افترای عملی است که حکم آن در ماده ٦٩٩ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است.

افترا از دیدگاه قانون با توجه ماده ٦٩٧ برای محکوم شدن کسی به جرم افترا به وسیله اسناد از اهمیت برخوردار نمی‌باشد. در ماده ٢٦٩ قانون مجازات عمومی وسیله اسناد محدود به اوراق چاپی یا خطی، انتشار اعلان یا اوراق مزبوره و نطق در مجامع شده بود. به همین دلیل نویسندگان حقوقی شمول ماده را نسبت به کسانی که از طریق رادیو و تلویزیون و سینما ارتکاب جرمی را به دیگری نسبت می‌دادند خلاف اصل تفسیر نصوص جزایی و به نفع متهم می‌دانستند.

مسلماً این وضعیت رضایت بخش نمی‌باشد، زیرا استفاده از این گونه وسایل به دلیل برد بیشتری که دارند، قطعاً موجب هتک حیثیت بیشتر قربانی جرم می‌شود و قابل سرزنش تر است. این اشکال با آوردن عبارت «یا به هر وسیله دیگر» در

[1]- Criminalization

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ماده ٦٩٧ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۵۷ مرتفع شده است. بنابراین استفاده از هر وسیله، مثل چاپ نقاشی یا کاریکاتور[1]، استفاده از رایانه و اینترنت[2]، و ارسال پیام کوتاه می‌تواند موجب تحقق جرم افترا شود. همانطور که اداره حقوقی قوه قضاییه طی یک نظریه مشورتی اعلام کرده است: «اگر به وسیله اینترنت یا مشابه آن هم جرمی به کسی نسبت داده شود و نسبت دهنده نتواند صحت آن را ثابت کند مورد مشمول ٦٩٧ قانون مجازات اسلامی خواهد بود»(ذوالفقاری و آجودانی،١٣٩٦: ٥٩).

این مفهوم از افترای لفظی را نشان می‌دهد، اما نوع دیگر افترا، افترای عملی است که ماده ٦٩٩ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات عنوان نموده است. برابر این ماده: «هر کس عالماً و عامداً به قصد متهم نمودن دیگری، آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد، بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل، شخص مزبور تعقیب گردد. پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ٧٤ ضربه شلاق محکوم می‌شود».

با توجه به نص ماده مذکور و مطالب عنوان شده، افترای عملی برخلاف افترای لفظی است. به این معنا که مرتکب به جای استفاده از سخن افترا آمیز یا استفاده از مطلب توهین آمیز علیه دیگری، با استفاده از ادوات و اشیاء اتهام آور نزد قربانی، او را در مظان اتهام قرار دهد.

۲-ارکان تشکیل دهنده افترای عملی

برای اینکه جرمی محقق شده و قابل مجازات باشد، وجود شرایطی لازم است این شرایط به دو گروه عناصر عمومی و عناصر اختصاصی تقسیم می‌شوند. به لحاظ حقوقی برای آنکه فعل انسانی جرم به شمار آید باید نخست، قانون‌گذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی[3])؛ دوم،عمل یا ترک عمل مشخص به منصه ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی[4])؛ سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی یا معنوی[5])؛ این عناصر که در تمامی جرائم مشترک‌اند عناصر عمومی نام دارند، اما عناصر و شرایط دیگری نیز در تحقق

[1]- Caricature
[2]- Internet
[3]- Legal element
[4]- Material element
[5]- Psychological or spiritual element

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

جرم موثرند که موسوم به عناصر اختصاصی‌اند. این عناصر در جرائم مختلف، متفاوت‌اند و موجب تمایز و تشخیص جرائم از یکدیگر می‌شود، مثل بردن مال غیر در جرم سرقت (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۷۳).

جرم افترای عملی هم از این امر مستثنی نبوده و برای تحقق آن عناصر سه گانه باید قابل تصور باشد. در این قسمت به بررسی هر یک از این عناصر پرداخته خواهد شد.

عنصر قانونی

یکی از اصول مسلم حقوق کیفری این است که تا زمانی که قوانین حاکم بر یک جامعه عملی را جرم تشخیص نداده و آن را قابل مجازات نداند، اشخاص در انجام آن عمل آزاد می‌باشند (گلدوزیان،۱۳۸۹: ۷۳).

منظور از این اصل به طور خلاصه آن است که اولاً هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن به این صفت شناخته شده باشد؛ ثانیاً هیچ مجازاتی ممکن نیست مورد حکم قرار بگیرد، مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن برای همان جرم وضع شده باشد؛ ثالثاً هیچ محکمه‌ای صالح به رسیدگی به جرمی نیست مگر آنکه قانون آن محکمه را برای رسیدگی به آن جرم صالح شناخته باشد. رابعاً هیچ حکمی از محکمه صالح علیه متهمی صادر نخواهد شد مگر پس از رسیدگی و محاکمه و آن هم طبق شرایط پیش‌بینی شده در قانون. به عبارت دیگر تعیین جرم، تعیین مجازات، تعقیب متهم، صدور حکم کیفری و اجرای آن باید طبق اصول و مقررات پیش‌بینی شده در قانون باشد. هرگاه حکمی برخلاف قانون و یا بدون رعایت یکی از شرایط یاد شده صادر گردد، آن حکم جنبه قانونی نداشته و در مرحله بالاتر مثل تجدیدنظر و فرجام نقض خواهد شد (محسنی،۱۳۸۹، ج ۱: ۲۹۸).

در حقوق کیفری، عنصر قانونی جرم به این معناست که تنها فعل یا ترک فعلی جرم محسوب می‌شود که در قانون برای آن مجازاتی در نظر گرفته شده باشد، یا به عبارتی قانون آن را جرم محسوب نموده و برای آن مجازاتی معین کرده باشد. این اصل «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها[1]» نامیده می‌شود؛ بنابراین هیچ جرمی وجود ندارد، مگر آنکه قانون آن را بیان کرده باشد. به این ترتیب این اصل تعیین مجازات از سوی اشخاص و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و انتظامی را بی‌اعتبار می‌داند. در ایران اما اصل ۱۶۷ قانون اساسی و عرف موجود باعث شده است که در مورد رعایت این اصل تردید باشد (اردبیلی،۱۳۹۶، ج ۱: ۲۵).

[1]- The principle of legality of crimes and punishments

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

عنصر قانونی افترای عملی را ماده ٦٩٩ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات تشکیل می‌دهد. اما در قوانین مختلفی به این جرم اشاره شده است. بند ۹ ماده ۱ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷٦ عنوان نموده:« قرار دادن مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری».

البته بایستی به این نکته اشاره نموده این بند تنها در جرایم حوزه مواد مخدر قابل بحث می باشد و اینکه قانونگذار صرف صرف قرار دادن مواد مخدر و روان گردان‌ها را برای تحقق این بند ملاک قرار داده است و محل این عمل مشخص نیست.

ماده ٢٦ قانون مذکور نیز مقرر داشته: «هر کس به قصد متهم کردن دیگری، مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد».

عنصر مادی

تحقق جرم موکول به بروز عوارض بیرونی اراده ارتکاب جرم است. تا وقتی مظهر خارجی اراده به صورت‌هایی مانند فعل یا ترک فعل تحقق نیافته، جرم واقع نمی‌شود. بنابراین صرف داشتن عقیده، اندیشه و قصد ارتکاب جرم بدون انجام هیچ‌گونه عمل مادی قابل تعقیب نمی‌باشد زیرا اصولاً موارد مزبور به تنهایی قابل کشف نیستند. البته در مواردی قانون‌گذار به طور استثنایی، مبادرت به جرم‌انگاری برخی اعمال کرده که در مراحل قبلی انجام کامل جرم می‌باشند. برای ارتکاب جرم، بزهکار مراحل زیر را طی می‌کند: ابتدا مجرم قصد ارتکاب جرم می‌کند، سپس به تهیه مقدمات مبادرت می‌ورزد، بعد شروع به اجرای جرم می‌نماید و نهایتاً جرم را به اجرا می‌گذارد (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

عنصر مادی جرم از سه بخش تشکیل می‌شود که عبارتنداز رفتار فیزیکی مرتکب که گاه به شکل فعل مثبت و گاه به شکل ترک فعل می‌باشد، مجموعه شرایط و اوضاع و احوالی که وجود یا عدم آنها از نظر مقنن برای تحقق جرم مورد نظر ضروری است و نتیجه حاصله از رفتار مرتکب که در جرائم مقید ضروری است (شامبیاتی،۱۳۹۵، ج ۱: ۳۸۳).

این سه بخش عنصر مادی را به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

-رفتار فیزیکی[1]: اینکه گفته می‌شود هر جرم مستلزم عمل مادی است، نباید چنین تصور کرد که این عمل حتماً بایستی عمل مثبت باشد که از ناحیه مجرم سر زده، بلکه جرم ممکن است خودداری از عمل هم باشد. بنابراین جرائم از نظر عنصر مادی به جرم فعل و جرم ترک فعل تقسیم می‌شوند. جرم فعل عملی است که انجام آن توسط قانونگذار منع شده و برای آن مجازات تعیین شده است مثل سرقت، قتل، ضرب و جرح. گاهی جرم فعل مثبت ممکن است سخن یا قول یا

[1]- Physical behavior

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بیان باشد مانند اهانت و ناسزا گویی که بر اساس قوانین جزایی کشور جرم محسوب می‌شود و یا فرضاً اگر کسی در مورد دعوای حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد، سوگند دروغ یاد کند به شش ماه یا دو سال محکوم خواهد شد. در مقابل مواردی وجود دارد که قانونگذار از نظر حفظ نظم عمومی برای افراد تکالیفی معین می‌کند که عدم انجام آن‌ها جرم شناخته شده است. در این حالت جرم عبارت است از خودداری از انجام تکالیف محوله که این جرم غالباً از طرف مستخدمین دولتی ارتکاب می‌یابد ولی گاهی نیز امکان دارد که توسط افراد عادی نیز این جرم واقع شود (شامبیاتی،۱۳۹۵، ج ۱: ۳۸٤).

رفتار مرتکب در افترا عملی به شکل یکی از افعال مثبت گذاردن، مخفی کردن و متعلق به غیر قلمداد نمودن است. منظور از گذاردن آلات و ادوات، جرم یا اشیا اتهام آور در منزل، محل کسب، جیب یا اشیا متعلق به دیگری آن است که، اموال منقولی مثل اموال مسروقه، چاقویی که در جریان قتل مورد استفاده قرار گرفته است، سلاح غیرمجاز، مشروبات الکلی، مواد مخدر، اسکناس‌های جعلی، ابزارهای جاسوسی، لباس‌های قربانی تجاوز جنسی و یا حتی جسد مقتول در محل‌های مورد اشاره گذاشته شود (گلدوزیان،۱۳۹٦: ٦٦٥).

نباید عبارت «اشیای متعلق به دیگری» را محدود به اشیایی کرد که در تعلق «ملکانه» دیگری قرار دارند، بلکه صرف تعلق عرفی کافی است. بنابراین کسی که برای انتقام گیری از سارق خودرویی مواد مخدر را در صندوق عقب اتومبیل، که هنوز در اختیار سارق است، می‌گذارد تا وی را در مظان اتهام قاچاق مواد مخدر قرار دهد، به ارتکاب این جرم محکوم می‌شود و نمی‌تواند به استناد این که اتومبیل، از لحاظ حقوقی، متعلق به سارق نبوده است از مسولیت کیفری بگریزد. مخفی کردن اخص از گذاردن و توام با پنهان کاری است، مثل این که مرتکب، مواد مخدر را در داخل کانل کولر یا زیر باغچه خانه دیگری قرار داده و یا آن را در داخل جلد کتاب متعلق به وی جاسازی نماید. متعلق به دیگری قلمداد کردن عبارت از آن است که شخص، بدون گذاردن یا مخفی اموال در جایی آنها را متعلق به دیگری قلمداد کند (میرمحمدصادقی،۱۳۹٦: ۵۳۱).

برای مثال کسی که از یک مسافر هواپیما درخواست می‌کند که چمدان وی را تا مقصد ببرد و مسافر هم بدون اطلاع از این که چمدان حاوی مواد مخدر است، آن را جزء اثاثیه خود تحویل بار می‌دهد، در صورت وجود سایر شرایط مرتکب این جرم خواهد شد. در اینجا نیز مظور از تعلق داشتن، تعلق عرفی است. در نتیجه در مثال بالا نباید به استناد این که مواد مخدر مال محسوب نشده و نمی‌توان آنها را در تعلق مالکانه کسی دانست از محکوم کردن متهم به ارتکاب جرم افترا خودداری کرد. در ضمن به نظر می‌رسد که تعلق به دیگری قلمداد کردن برخلاف گذاشتن و مخفی کردن نسبت به اموال

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

غیرمنقول نیز صدق می‌کند، مثل این که کسی با تخریب یک اثر تاریخی ثبت شده آن را متعلق به دیگری قلمداد کند تا شخص اخیر الذکر به اتهام تخریب اثر تاریخی بر اساس ماده ۵۵۸ قانون تعزیرات تحت تعقیب قرار گیرد.

-شرایط و اوضاع و احوال[1]: از جمله شرایط و اجزایی که وجود آن برای تحقق جرم لازم و ضروری می‌باشد، شرایط و اوضاع احوال است. تا موضوعی نباشد که رفتار مجرمانه بر روی آن واقع شود، هیچ جرمی در عالم خارج محقق نخواهد شد. موضوع جرم به حسب نوع جرائم متفاوت است، به عنوان مثال در جرائم علیه اموال و مالکیت؛ چه در فضای مجازی و چه در فضای سنتی، مال و حقوق مالی موضوع جرم قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر موضوع چیزی است که رفتار پیش بینی شده در قانون بر ضد آن رخ می‌دهد. موضوع یا مادی است که وجود فیزیکی دارد یا معنوی است که وجود ملموس و قابل رویت ندارد (عطوان،۱۳۹۱: ٦٥).

اولین شرطی که برای تحقق جرم افترای عملی ضروری است، احراز ماهیت اتهام آور اشیا، آلات و ادواتی است که در منزل، محل کسب، جیب یا اشیای متعلق به دیگری گذاشته یا پنهان می‌شوند و یا متعلق به او قلمداد می‌کردند. بنابراین هرگاه ماهیت اشیا و آلات به گونه‌ای نباشد که بتواند باعث توجه اتهام کیفری به طرف مقابل شود بلکه برای مثال صرفاً باعث بدنامی او یا ایجاد بدبینی در مردم نسبت به وی گردد این جرم محقق نمی‌شود. شرط دوم آن است که عمل مرتکب باید بدون اطلاع طرف مقابل باشد. بنابراین اگر کسی عالما اموال مسروقه را از سارق بپذیرد و بعد تحت عنوان سرقت اموال تحت تعقیب قرار گیرد، نمی‌تواند مدعی ارتکاب جرم افترای عملی علیه خود شود. بدیهی است در مواردی که فرد با علم واطلاع، اشیا و آلات و ادواتی را از دیگری می‌پذیرد، بدون اینکه از ماهیت اتهام آور آنها مطلع باشد باز می‌توان جرم افترای عملی را در صورت وجود سایر شرایط محقق دانست (میرمحمدصادقی،۱۳۹٦: ۵۳۱).

در همین جا لازم است که علیرغم به کار برده شدن واژه‌های جمع آلات، ادوات، اشیاء در ماده ٦٩٩ نیازی به این که حتماً از چند شیء یا آلت اتهام آور استفاده شود نیست و حتی یک فقره هم کفایت می‌کند.

- نتیجه حاصله[2]: بین فعل مجرمانه و اثر قانونی آن بایستی رابطه علیت یا سببیت موجود باشد. علمای حقوق کیفری در جرائم مطلق نقشی برای علیت قائل نمی‌شوند، در حالی که در ساختار جرائم مقید لزوم رابطه علیت میان رفتار متهم و نتیجه زیانبار را ضروری می‌دانند. در این گونه جرائم، نتیجه امری مادی، محسوس، قابل نظارت قضایی، مادتاً منفصل از رفتار مادی و از نظر زمانی مؤخر و یا توأم با آن است (نوربخش و کریمی،۱۳۹۵: ۲-٤).

[1]- Terms and conditions
[2]- The result

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

افترای عملی یک جرم مقید است و بنا به تصریح ماده ۶۹۹ باید طرف مورد افترا در نتیجه اقدات مرتکب، تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و تعقیب وی منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت قطعی شود. تنها پس از حصول این نتیجه می‌توان به تعقیب شخص مفتری پرداخت. عنصر روانی برای تحقق جرم افترای عملی وجود سوء نیت ضروری است. مرتکب بنا به تصریح ماده ۶۹۹ باید عمل خود را «علما عامداً به قصد متهم نمودن دیگری» انجام دهد. بنابراین وی باید اولاً در انجام فعل خود عامد و قاصد باشد، نه این که تحت تأثیر مواد مخدر، مشروبات الکلی یا هیپنوتیزم و یا در حال خواب یا بیهوشی اقدام افترا آمیز خود را مرتکب شده باشد. ثانیاً با توجه به قید عالما در ماده ۶۹۹ مرتکب باید از ماهیت اتهام آور اشیا و آلات و ادوات مورد بحث آگاه باشد. لازم به ذکر است که با توجه به ماده ۷۲۷ قانون تعزیرات جرم افترای عملی موضوع ماده ۶۹۹ نیز مثل جرم افترای موضوع ماده ۶۹۷ از زمره جرائم دارای ماهیت خصوصی و قابل گذشت می‌باشد (میرمحمدصادقی،۱۳۹۶: ۵۳۲).

به علاوه در افترای عملی هم برخی از مصادیق خاص آن در قوانین متفرقه جرم انگاری شده‌اند، که از جمله می‌توان از ماده ۲۶ قانون اصلاح مارزه با موادمخدر مصوب سال ۱۳۷۶ نام برد که به موجب آن هر کس به قصد متهم کردن دیگری مواد مخدر یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد. در مورد آلات و ادوات استعمال مواد مخدر اداره حقوقی قوه قضائیه طی یک نظریه مشورتی اشعار می‌دارد مقصود از آلات و ادوات استعمال مواد مخدر آلات و ادوات استعمال مواد مخدر آلات و ادواتی است که عرفا مخصوص استعمال مواد مخدر است نه سیم و سنجاق و از قبیل که موارد استعمال دیگری هم دارد.

عنصر روانی

بررسی رکن روانی جرم به ما کمک می‌کند تا نسبت به تشخیص ماهیت جرائم پی برده و با دانستن مفهوم دقیق عنصر روانی و درک جایگاه واقعی آن در حقوق جزا بالاخص قتل و درک این موضوع که تا چه میزان در سرنوشت مرتکب می‌تواند مؤثر باشد پرداخته می‌شود. در ادوار قدیم حقوق جزا به عنصر روانی به عنوان یکی از عناصر تحقق جرم توجه زیادی نمی‌شد و ملاک وقوع جرم تنها عنصر مادی بود. در حقوق جزای مغرب زمین از قرن ۱۲ میلادی به بعد به انسان به عنوان عامل اخلاقی و مسئول توجه شده است حال آنکه در مکتب کیفری اسلام از بدر تشریح، به مسائل عنصر روانی و درک جایگاه آن در حقوق جزا و خصوصاً قتل، به ویژه درک آن که تا چه میزان در سرنوشت مرتکب می‌تواند مؤثر باشد پرداخته شد. عنصر روانی یکی از عناصر عمومی جرائم تأسیس شناخته شده بین حقوقدانان محسوب می‌شود که درک صحیح از عنصر روانی در جرائم خصوصاً قتل در شناخت نوع قتل ارتکابی تأثیر بسزایی دارد. عنصر روانی غالباً به عنوان یکی از عناصر عمومی تشکیل دهنده جرائم محسوب می‌شود که بر اساس آن، نوع جرم، میزان مسئولیت جزایی و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مجازات مرتکب تعیین می‌شود، از این رو رفتاری از لحاظ جامعه قابل سرزنش و مجازات است که با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی توأم باشد و مرتکبی که رفتارش فاقد عنصر عمد یا تقصیر باشد، قابل ارزش نخواهد بود (نبی پور،۱۳۹٤: ٤۱-٤۲).

در جرایم عمدی یکی از اجرای عنصر معنوی مرتکب، علم یا آگاهی است. علم در لغت به معنای دانستن، یقین کردن و دانش آمده است. آگاهی به عنوان مترادف علم نیز در معنای علم، معرفت، اطلاع و خبر ذکرشده است(معین،۱۳۷۷: ۷۲۲ و ٦۲).

جرم توهین عملی از جمله جرایم عمدی است و مراد از عمدی بودن آن علم و آگاهی مرتکب به وهن آور بودن کردار، رفتار، گفتار و نوشتاری که به حیثیت و شرافت طرف جرم لطمه وارد می کند، علاوه بر این علم و آگاهی، عمد و قصد مرتکب به منظور هتک حیثیت و شرافت و حرمت طرف جرم لازم می باشد، بنابراین شخصی که اعمال توهین آمیز از او سر می زند، باید ضمن دارا بودن قصد لطمه زدن به حیثیت و آبروی دیگری عالم به موهن بودن عمل خود باشد. به طور کلی عنصر روانی جرم توهین عملی مرکب از دو شرط می باشد: اول، علم داشتن مرتکب به توهین آمیز بودن عمل. دوم، قصد مرتکب برای متهم ساختن دیگری با قرار دادن وسایل و آلات جرم.

لازم است مرتکب جرم توهین عملی علم داشته باشد به اینکه عملی که مرتکب می‌شود، توهین آمیز است و موجب از بین رفتن و پایین آمدن شرافت و حیثیت می‌شود. لزوم علم و آگاهی مرتکب به مجرمانه بودن عمل جهت تحقق جرم از مباحثی است که حقوقدانان و فقها بر آن تأکید کرده اند(قدسی و کوهیان افضل،۱۳۸۸: ۱۹۸).

برخی از حقوقدانان نیز علم و آگاهی مرتکب به موضوع و حکم یک قانون را از شرایط لازم برای تحقق یک جرم برشمرده اند. البته غالب نظام‌های کیفری فرض را بر این گذاشته اند که تمام شهروندان از احکام او اطلاع دارند، بنابراین هیچ کس نمی تواند با توسل به جهل خود نسبت به قانون از خود رفع تقصیر کند(اردبیلی،۱۳۹٦: ۲۳۵).

با توجه به لزوم رعایت شرط فوق اگر کسی که نسبت به جرم و موقعیت او اطلاعی ندارد، به مانند آن که شخصی اطلاعی ندارد که در میان وسایلی که در چمدان یا کیف دارد، آلات و وسایل مجرمانه موجود بوده، در این صورت توهین عملی محقق نخواهد شد. شرط دیگری که برای تحقق جرم توهین عملی لازم است، این است که شخص قصد متهم ساختن طرف جرم را داشته باشد. بنابراین، اگر شخص از روی اشتباه و غفلت وسایل و آلاتی را قرار دهد عمل او مشمول حکم این ماده نخواهد شد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۳-مجازات[1]

واژه مجازات از باب مفاعله و ریشه آن «جزی، یجزی، جزاء» است. در کتب لغت به معنای پاداش دادن، کیفر دادن، سزای عمل کسی را دادن و همچنین مکافات آمده است (معین،۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲۲۷).

تفسیر واحدی از مفهوم مجازات وجود ندارد و مفهوم آن مدام برحسب مقتضیات زمانی و مکانی در حال تغییر است. به علاوه از آنجایی که اشکال مختلف مجازات و به طور مشخص مجازات بدنی و اعدام، تصاویر و احساسات قوی‌تری را به نمایش می‌گذارد، توصیف عینی و ارزیابی انتقادی آنها دشوار است (رحمدل، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۶).

یکی از حقوقدانان مفهوم اصطلاحی مجازات را اینگونه تعریف کرده است: «مجازات عبارتست از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود». وی می‌گوید: «مفهوم رنج از مفهوم مجازات قابل تفکیک نیست و در واقع، رنج و تعب است که مشخص کننده حقیقی مجازات از سایر وسایل انضباطی و مدنی همچون جرائم رانندگی، جبران خسارت، بطلان و عدم اهلیت است»(علی آبادی،۱۳۸٦، ج ۲: ۱).

مطابق قانون برای مجرمان، کیفر مقرر شده است. مجازات مجموعه قواعد مورد تأیید جامعه است که ضامن اجرای عدالت واقعی است و سعی در هدایت مجرم اصلی و یا احتمالی، بازدارندگی دیگران از ارتکاب جرم، ارضاء فطرت عدالت خواهی مجنی علیه و حمایت از جامعه را دارد که توسط قوه مقننه وضع و به وسیله قوه قضائیه به مورد اجرا گذارده می‌شود. آنچه اصطلاحاً به آن مجازات می گوییم، واکنشی است که: اولاً، متضمن درد و رنج و به تعبیر دقیق‌تر، مستلزم زیان باشد. چیزی که افراد معمولی آن را نمی‌پسندند؛ ثانیاً، این زیان به خاطر نقض یک قاعده حقوقی اعمال شود؛ یعنی تعرض به یک هنجار اجتماعی؛ ثالثاً، نقض قاعده توسط یک عامل انسانی مسئول در هیئت شخص حقیقی یا حقوقی صورت گرفته باشد؛ رابعاً، به وسیله یک مقام رسمی مجاز که قبلاً تعریف شده است به طور آگاهانه تعیین و اجرا گردد(ساکی،۱۳۹۱: ۸۸).

در خصوص افترای عملی، قانونگذار در انتهای ماده ٦۹۹ مجازات این جرم را مشخص نموده است. این ماده مقرر داشته است:« مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷٤) ضربه شلاق محکوم می‌شود».

نتیجه گیری

جرم افترا در اصطلاح حقوقی عبارت است از اینکه فردی جرمی را به دیگری نسبت دهد؛ بدون آن که قادر به اثبات آن باشد. در حقیقت افترا فعلی تهمتی است که تهمت‌زننده برای متهم کردن افراد، وسایل و ادوات جرم را به نوعی به

[1]- Punishment

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شخص منتسب کند یا در منزل یا در جیب یا در وسایلی که مربوط به آن شخص است، قرار دهد که برابر ماده ٦٩٩ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات جرم انگاری شده است و مجازاتهایی هم پیش بینی گردیده است. قانونگذار در این ماده شرایط ارتکاب این جرم را پیش بینی نموده است و با بکارگیری آلات و ادوات جرم، اختلاف این جرم را با جرم افترای لفظی مشخص نموده است. افترای عملی جرمی است مقید به وسیله، به عبارتی دیگر اگر کسی به قصد متهم نمودن دیگری وسیله ای در خانه یا جیب او قرار دهد ولی در واقع وسیله مزبور جزء آلات و ادوات جرم نباشد مشول حکم قانونی افترای عملی نخواهد بود. افترای عملی جرمی مقید به نتیجه نیز می‌باشد، لذا چنانچه وسیله ای که طبق قانون داشتن آن جرم محسوب می گردد را متعلق به دیگری نشان دهیم، بزه دیده می بایست حتماً تحت تعقیب قرار گیرد. بنابراین چنانچه وی مورد تعقیب قرار نگیرد عمل از شمول ماده موصوف خارج است.

منابع

احسان پور، سیدرضا.(۱۳۸۸). مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ایدز، تهران: اندیشه عصر

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹٦). حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات میزان.

ایزک شیری، محمدجواد.(۱۳۹۹). بررسی تطبیقی بزه افترا در حقوق ایران و ایتالیا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه دامغان.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹٤). ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.

دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۵). لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ذوالفقاری، حبیب الله و آجودانی، علی.(۱۳۹٦). بررسی علل و عوامل جرم افترا از منظر قانون مجازات اسلامی. فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی سمنان، ۷(۲٤): ۵۷-۷۸.

رحمدل، منصور (۱۳۸۹). حقوق کیفری، تهران: نشر میثاق عدالت.

ساکی، محمدرضا(۱۳۹۱). دوره مقدماتی حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات دادگستر.

شامبیاتی، هوشنگ.(۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران: انتشارات پاژنگ.

عطوان، مریم (۱۳۹۱). تحلیل خرابکاری رایانه‌ای در قانون جرائم رایانه‌ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

علی آبادی، عبدالحسین(۱۳۸٦). حقوق جنایی، تهران: انتشارات فردوسی.

قدسی، سید ابراهیم و کوهیان افضل، امین(۱۳۸۸)، مقدسات و توهین به آن در حقوق کیفری ایران، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، ۱(۸۳): ۱٦۵-۲۰٦.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.

گلدوزیان، ایرج.(۱۳۹٦). محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات مجد.

محسنی، مرتضی(۱۳۸۹). دوره حقوق جزای عمومی (کلیات حقوق جزا) جلد اول، تهران: انتشارات گنج دانش.

معین، محمد(۱۳۷۷). فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.

میرمحمدصادقی، حسین.(۱۳۹٦)، جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.

نبی پور، محمد(۱۳۹٤). درجه بندی سازی در قتل، چاپ اول، تهران: مجد.

نوربخش، سحر و کریمی، احمد.(۱۳۹۵). عناصر تشکیل دهنده جرم، سومین کنفرانس بین المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

The position of practical defamation in the Islamic Penal Code

Dr. Seyed Abbas Jazayeri Farsani[1], Hossein Taheri[2]

Abstract

Protecting the dignity of individuals is one of the important missions of criminal law. The legislature in the Islamic Penal Code and other related laws has provided for the title of criminal offenses under the title of defamation and has set penalties for it. Defamation means lying to people is one of the things that severely violate human dignity. Legally, defamation is when a person attributes a crime to another and is unable to prove it. There is another type of defamation, and that is the practical defamation that the legislator has dealt with in Article 699 of the Islamic Penal Code of the Punishment Section approved in 1996, and it is the case that a person has tools and instruments of crime or devices that may accuse a person in Conceal another person's home or belongings or workplace so that when they are found, the suspect can be charged. Based on this, the present study intended to examine the status of the crime of practical defamation in the Islamic Penal Code. The present study seeks to explain the status of the crime of practical defamation in the Islamic Penal Code due to its nature, application and descriptive-analytical method, using library resources and documentary studies. The findings of the research show that, with precision in Article 699 of the Islamic Penal Code of the Penal Code, it can be said that the crime of practical defamation is among the crimes of a positive material act and is bound to the result. From the perspective of the psychological element, practical defamation is one of the intentional crimes. The legislature has imposed the penalty for practical defamation, imprisonment from 6 months to three years or up to 74 lashes.

Keywords: slander, insult, verbal defamation, practical defamation, Islamic Penal Code

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[1] Assistant Professor and Faculty Member, Department of Law, Islamic Azad University, Shahrekord Branch
[2] PhD student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Shahrekord Branch